

تاثیر حیاط مرکزی بر فرهنگ و پیوستگی خانواده

محمد بهزادپور

عضو هیئت علمی گروه معماری، واحد هشتگرد، دانشگاه آزاد اسلامی، هشتگرد، ایران

Mohammad.behzadpour@hiau.ac.ir

امید شکوه بین

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Omid.shokouhbin@srbiau.ac.ir

سیدمحمد جواد غیائی

دانشجوی کارشناسی معماری، دانشکده فنی و حرفه‌ای، دانشگاه شهید بهشتی، کرج، ایران

Ghiassimj@gmail.com

1

چکیده

با گسترش روزافزون صنعت ساختمان سازی و بی توجهی و نپرداختن بر اصول مبتنی بر معماری سنتی ایران، یکی از لازم‌های مهم، اکتشاف در بخش‌های مختلف معماری سنتی می‌باشد. در این میان عناوین متعددی برای تحلیل و بررسی وجود دارد، که میتوان به حیاط مرکزی، ایوان، سرداب و... اشاره داشت. یکی از مهم‌ترین آن‌ها حیاط مرکزی می‌باشد که در مناطق مختلفی از جمله فلات مرکزی ایران فراوانی زیادی داشته است. با وجود آنکه نقش پدیده‌های جغرافیایی و محیطی در شکل‌گیری فضای باز یا حیاط خانه‌ها آشکار است، اما می‌توان عوامل فرهنگی را به عنوان عوامل اصلی شکل‌دهنده انواع حیاط بخصوص حیاط مرکزی را در خانه‌های سنتی نام برد. این نوع طراحی با ساختار درونگرا و مرکزی خود علاوه بر جلوگیری از آسیب‌های ناشی از عوامل جغرافیایی و محیطی، بواسطه وجود فضای مشترک و ایجاد ارتباطات میان خانواده‌ها تاثیرات فراوانی در فرهنگ مردم مناطق مختلف ایجاد کرده است. امروزه با حذف و عدم جایگزینی الگوی مناسب برای حیاط مرکزی صدمات و ضایعات آشکار و پنهان بی‌شماری بر پیکره جامعه معماری وارد شده است، اما هنوز میتوان با بررسی ساختار حیاط مرکزی در معماری سنتی و تلفیق آن با معماری مدرن و استفاده از مصالح جدید به حفظ فرهنگ و پیوستگی خانواده کمک کرد.

واژگان کلیدی: حیاط مرکزی، فرهنگ، پیوستگی خانواده، عوامل جغرافیایی

مقدمه

رواج خانه های حیاط دار در کشورهای اسلامی زنجیره ای طولانی دارد. معماری خانه های حیاط دار در کشورهای مختلف با توجه به ویژگی های اقلیمی هر محل و فرهنگ رایج آن کشور شکل گرفته است. با وجود ویژگی های خاص هر محل روح اعتقادی حاکم بر همه نشات گرفته از اعتقادات ایرانی و اسلامی و ایجاد حریم برای زندگی خصوصی و اهل خانه است. حیاط یا فضای باز در واحد های مسکونی، کارکرد های بسیار متنوعی دارد که یکی از آن ها نقش و کارکرد فرهنگی و آیینی است. در ساختمان هایی که حیاط مرکزی محصور داشتند، یکی از کارکرد های مهم عبارت بود از ایجاد فضایی امن و محدوده ای که حریم خانواده به شمار می رفت و از دیدرس افراد نا محرم و غریبه دور بود. این کارکرد مهم حیاط در نواحی دارای خانه های درون گرا سبب شده است که برخی از پژوهشگران بیان دارند که همین کارکرد حیاط موجب پیدایش آن شده است و در این زمینه پدیده های فرهنگی را عامل شکل گیری آن بدانند. این مقاله به تاثیر حیاط مرکزی بر فرهنگ و پیوستگی خانواده می پردازد تا شاید این پژوهش انگیزه ای برای ساخت دوباره چنین خانه های در ایران باشد.

پیشینه تحقیق

پیشینه این پژوهش را می توان به دو دسته تقسیم بندی کرد: دسته اول منابع پژوهشی درباره خصوصیات کالبدی حیاط مرکزی و دسته دوم جامعه شناسی و نقش حیاط مرکزی بر فرهنگ و خانواده، که با نگاهی مو شکافانه، نظام فضایی حیاط مرکزی را در ارتباط با فرهنگ و پیوستگی خانواده توصیف نموده اند. از منابع گروه اول میتوان به کتاب ها و مقالاتی همچون حیاط مرکزی در معماری ایران (احمدی، ۱۳۸۲)، نقش فضا در معماری ایرانی (حائری، ۱۳۸۸) و... اشاره کرد. از منابع گروه دوم نیز میتوان به انسان شناسی مسکن (راپاپورت، ۱۳۸۸)، سبک شناسی معماری ایرانی (پیرنیا، ۱۳۸۶)، حس وحدت (نادر و بختیار، ۱۳۸۰) و... اشاره کرد. اما تاثیر حیاط مرکزی بر فرهنگ و پیوستگی خانواده مورد توجه قرار نگرفته است. نوشتار پیش رو به چگونگی ارتباط حیاط مرکز با فرهنگ و پیوستگی خانواده پرداخته تا شاید بستر مناسب برای ساخت چنین خانه های دوباره فراهم شود.

جدول پیشینه تحقیق

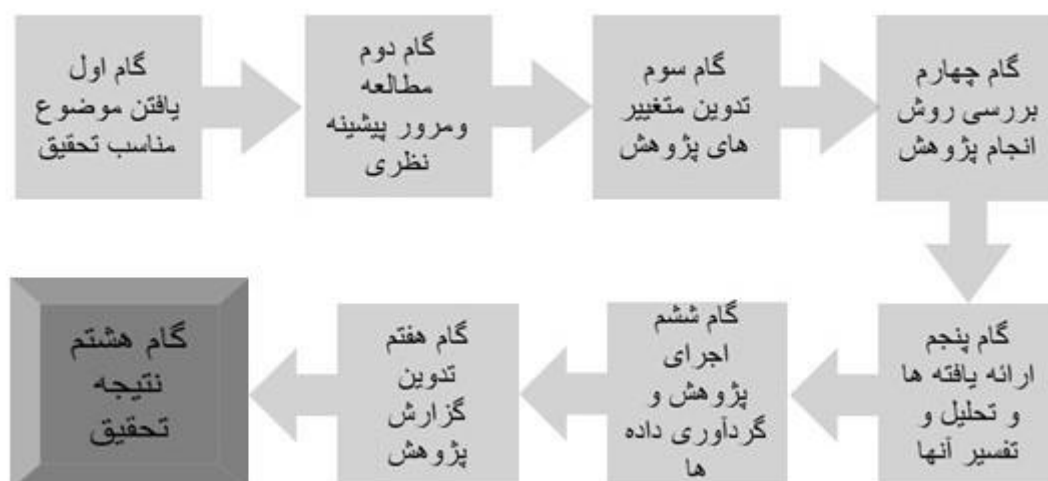
ردیف	عنوان	نویسنده	سال انتشار	محل انتشار	خروجی
۱	حیاط مرکزی در معماری ایران	فرهاد احمدی	۱۳۸۲	فصلنامه صفا	اگر بخواهیم به جوهره سازمان دهی فضا در فلات ایران اشاره کنیم به جرات می توانیم از ساختار حیاط مرکزی نام ببریم، ساختاری که به صورت در هم تنیده و یکپارچه پاسخ های مناسبی را برای زندگی مادی و معنوی این مردمان به دست داده است.
۲	نقش فضا در معمار ایرانی	محمد رضا حائری	۱۳۸۸	دفتر پژوهشهای فرهنگی	سازمان یابی خلاق فضا در معماری ایران در ارتباط متقابل با شیوه زندگی شکل گرفته است. فضا در معماری ایران همزمان در سه گونه سازمان می یابد: فضای باز، فضای سرپوشیده، و فضای بسته.
۳	فضا های باز در مجموعه های مسکونی	محمد پوردیهمی	۱۳۸۲	فصلنامه صفا	فاکتورهای فرهنگی هر جامعه ترکیبی از فضاهای باز و بسته ای را به وجود خواهد آورد که نیازهای کالبدی، محیطی و روان شناختی جوامع را برآورده نماید. در این دیدگاه شکل کالبدی فضاها و نیازهای فرهنگی جامعه با هم ترکیب شده و وجه مشخصه خود را در شکل مجموعه به جای می گذارد.
	سبک				اصولی را که در هنر ایران و به ویژه در معماری وجود داشته میتوان به ۵

۴	شناسی معماری ایرانی	محمد پیرنیا	۱۳۸۶	سروش دانش	اصل تقسیم کرد: مردم واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خود بسندیدگی، درونگرایی.
۵	انسان شناسی مسکن	آموس راپاپورت ترجمه خسرو افضلیان	۱۳۸۸	حرفه هنرمند	این کتاب به واکاری دقیق پدیده سکنی گزیدن می‌پردازد و یک بار دیگر نشان می‌دهد، که ارائه تحلیل‌ها و دیدگاه‌های یک سویه و یک بعدی که هم زمان تکیه بر یک عامل دارند؛ چه عامل اقلیمی، اجتماعی فرهنگی، موقعیت، تکنولوژیک، مصالح یا مذهب و... نمی‌توانند گونه‌ها و شکل‌های متفاوت و متنوعی را که مسکن می‌تواند در معماری مردمی داشته باشد، بیان کند.
۶	حس وحدت	اردلان نادر، لاله بختیار	۱۳۸۰	نشر خاک	از جمله تم‌های عمده‌ی کتاب می‌توان به ریشه‌یابی سنت‌های معماری به طور کلی، و سنت‌های معماری ایرانی و ایرانی-اسلامی به طور خاص، پرداخت مولفه‌های مختلف این معماری، ارتباط این معماری با سایر هنرها و نحله‌های ادبی و فلسفی، نمودهای آن بر جامعه‌ی سنتی و کارکردهای مختلف آن اشاره کرد.

3

روش تحقیق

یکی از مهمترین بخش‌های پژوهش تعیین روش و ساختاری است که به کمک آن پژوهش به انجام می‌رسد. در این پژوهش از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، شناخت موضوع صورت می‌پذیرد. متون و منابع موجود در مورد نقش حیاط مرکز در فرهنگ و پیوستگی خانواده مطرح می‌گردد همچنین با استفاده از روش نحوفضا Space Syntax ساختار فضایی نمونه موردی، مورد بررسی قرار می‌گیرد (تصویر ۱).



تصویر ۱- روش تحقیق

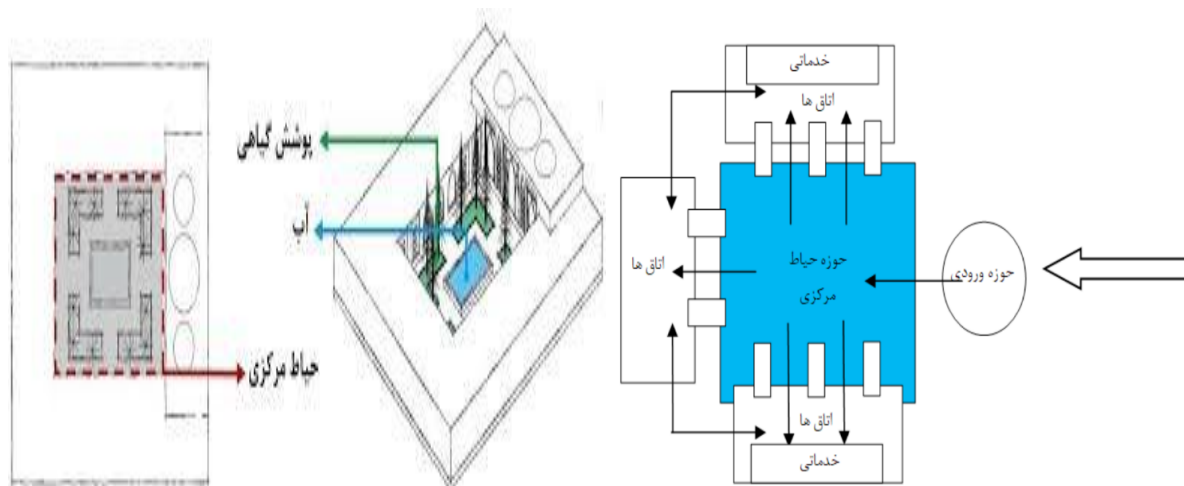
مبانی نظری

نخستین گام در فهم یک پدیده، شناخت اجزای سازنده و عوامل تاثیر گذار بر آن است. این تحقیق نیز پدیده شناسی مسکن ایرانی در راستای شناخت عناصر و عواملی است که حیاط خانه سنتی را شکل می دهند یا در پدید آمدن آن ایفای نقش میکنند (ورمقانی، ۱۴۰۰). معماریان در مقاله نحو فضای معماری روابط اجتماعی ساکنان را شناسایی می کنند (معماریان، ۱۳۸۱). دکتر حائری روش شناخت معماری ایرانی را در سه گروه دانشی گونه شناسی، معنا شناسی و انسان شناسی مورد مطالعه قرار داده است. در بسیاری از پژوهش ها و مطالعات معماری ایران هدف از خواندن معماری، شناخت ارزش ها و الگوهاست (حائری، ۱۳۹۳).

حیاط مرکزی

حیاط مرکزی نامی است که به طور معمول به انواع متنوعی از حیاط هایی گفته میشود که در آنها دست کم در یک سمت و دست بالا در چهار سوی آن ها فضای ساخته شده وجود دارد و تنها یا مهم ترین و اصلی ترین فضا برای تامین نور، تهویه، ارتباط درونی و برخی کارکردهای دیگر برای خانه است. جای گرفتن فضاهای ساخته شده در پیرامون حیاط و به ویژه در حیاط خانه های بزرگ و بسته شدن این گونه حیاط ها در چهار سمت با اتاق های یا دست کم با دیوار، سبب نام گرفتن آن به حیاط مرکزی شده است. در متون کهن آن را میان سرا خوانده اند (سمرقندی، ۱۳۴۳) (تصویر ۲). حیاط مرکزی عنصری است که از دیرباز به عنوان ساختار در طراحی خانه ها در معمار سنتی ایران بوده است و با گذشت زمان و تکامل تجربیات گذشتگان همواره شاهد غنی تر شدن آن در طول تاریخ بوده ایم. از آنجا که حیاط مرکزی متأثر از اقلیم و فرهنگ بوده، اقلیم ها و فرهنگ های مختلف سبب تولید گونه شناسی مختلفی از حیاط مرکزی گردیده است. طراحی حیاط مرکزی تنها به هدف ایجاد یک عنصر تزئینی ساخته نمی شدند بلکه معماری ایرانی با هنر خود سبب شکل گیری حیاط هایی متناسب با هر اقلیم در هر یک از مناطق شده است. در واقع حیات مرکزی محیطی پاسخده به مشکلات اقلیمی و فرهنگی هر منطقه بوده که ضمن توجه به نیاز های زیباشناختی و عمل گیری هماهنگ با شرایط اقلیمی و فرهنگی بستر خود را شکل می دهد (زکی زاده، ۱۳۹۴).

4



تصویر ۲- نمودار ارتباط حیاط با حوزه ها و با هم

حیات مرکزی و پاسخگویی به نیازهای ساکنین

نیازهای انسانی، سه گروه نیازهای انسانی، نیازهای اجتماعی، اقتصادی و نیازهای ادراکی هستند. نیازهای اساسی شامل نیازهای زیستی، ایمنی و امنیت، نیازهای اجتماعی، اقتصادی شامل حس تعلق اجتماعی، تنوع، خلاقیت و جذابیت محیط و نیازهای ادراکی شامل آگاهی، یادگیری و زیبایی هستند (فریادی، ۱۳۸۳). ماژلو نیز نیازهای انسانی را به دو گروه نیازهای اساسی یا اولیه و نیازهای برتر تقسیم بندی و در یک نظام سلسله مراتبی از قوی ترین تا ضعیف ترین ردیف می کند (تصویر ۳).



تصویر ۳- سلسله مراتب نیازهای انسانی، هرم ماژلو (احمدی، ۱۳۹۱)

5

در خانه های سنتی ایران در طول تاریخ، حیاط به عنوان قلب ساختمان مورد استفاده قرار میگرفت. حیاط مرکزی همواره با ایوان در هر سمت، ویژگی بود که از گذشته های دور در معماری ایرانی بوده و این مکان وجود داشت که حیاط از نظر هندسی مرکز خانه نباشد اما از نظر زندگی و انجام فعالیت ها و ایجاد ارتباط بین قسمت های مختلف خانه، مرکز خانه محسوب شود. در قدیم، حیاط محلی برای برگزاری مراسم مختلف نظیر مراسم مذهبی، عروسی و تجمع اقوام بود. معمولا بصورت چهارگوش طراحی می شد و ابعاد آن را تعداد و عملکرد فضا های اطرافش تعیین می کرد هر حیاط معمولا یک حوض و چند باغچه داشت که بسته به شرایط مختلف محلی نظیر آب و هوا و عوامل فرهنگی اشکال متفاوتی می یافت. سازمان دهی فضاهای محصور حیاط به گونه ای بود که تغییرات فصلی و کارکرد های مختلف اتاق های مجاور متناسب باشد. دکتر ناییبی حیاط را مرکز و قلب خانه میداند و اشاره می کند که وجود حیاط مرکزی در خانه های سنتی ایران، نمودی از درون گرایی می باشد. درون گرایی، یکی از ویژگی هایی است که درجه اهمیت به باطن را در قبال توجه به ظاهر متجلی می سازد و در اصل تأکیدی بر عالم غیب و تفسیری بر یکی از صفات الهی (باطن) است (ناییبی، ۱۳۸۱).

محرمت

محرمت در معماری تعریف کردن فضا به گونه ای است که در دو جنبه کالبدی و معنایی دارای مرز و حریم باشد (سیفیان و محمودی، ۱۳۸۶). مرز داشتن در شکل کالبدی متمرکز بر اصولی است که امنیت فضا را شکل می دهند و در حیطه معنایی ویژگی هایی است که حرمت و ارزش را در فضا به ارمغان می آورند به گونه ای که فرد در آن حس آرامش کند. معماری ایران از دوران پیش از اسلام نیز به محرمت توجهی ویژه داشته است. محمد کریم پیرنیا اصل محرمت را در قالب اصل درون گرایی

یکی از شاخصه های معماری ایرانی می داند. به گفته او معماران ایرانی با سامان دهی اندام های ساختمان در گرداگرد یک یا چند میان سرا، ساختمان را از جهان بیرون جدا میکردند و تنها یک هشتی این دو را به هم پیوند می داد(پیرنیا، ۱۳۸۶).

هویت مندی و هویت بخشی حیاط مرکزی

هویت به معنای احساس تعلق و این همانی با محیط است و معیارهایی همچون احساس امنیت، خاطر انگیزی، حس تعلق و وابستگی به منظور ارزیابی هویت تدوین شده اند.(دانشپور، ۱۳۷۹). ادراک هر فضا تنها برگرفته از رفتار های غریزی نبوده بلکه منتج از زمینه های فرهنگی و اجتماعی نیز به شمار می رود. زمانی میتوانیم فضایی را شناخته که به معنای نمادین فرهنگی و اجتماعی آن واقف باشیم. در صورت عدم درک آن معنا، فضا را به درستی نفهمیده و یا در آن احساس راحتی نخواهیم کرد. در نتیجه ناهمخوانی انسان با فضا موجب ایجاد این همانی کمتر و در پی آن بحران هویت می گردد(پاکزاد، ۱۳۷۵). حیاط مرکزی بهشت خصوصی خانه است. به واسطه تداوم حضور در این بهشت حس مکان، احساس تعلق و دلبستگی به مکان در ساکنین پدیدار می گردد این حس به گونهای به پیوند فرد با مکان منجر میشود که انسان خود را جزئی از مکان میدانند و در نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام می شود(فلاح، ۱۳۸۵). حیاط های مرکزی مکان هایی هویتمند هستند و از آنجا که هویت مکان، بخشی از هویت شخصی است لذا این عناصر بومی نقش بسزایی در احراز هویت ساکنان ایفا میکنند. در واقع الگوی حیاط مرکزی واجد ویژگیهای ارزشمندی است که هویت بخشی به کل بنا و حتی ساکنین را میسر میسازد. برخی از این ویژگی ها عبارتند از: ارتباط با طبیعت، احترام به حریم خصوصی، تأمین آسایش، درونگرایی، خلوت، جداسازی عرصه خصوصی از عمومی، رعایت سلسله مراتب دسترسی، پویایی و سرزندگی، خوانایی، تباین فضایی با محیط اطراف، انطباق با فرهنگ و مذهب ساکنین، امنیت روانی و ... ویژگی های مذکور، حیاط خانه را به فضایی انسان مدار تبدیل کرده چنانکه روح خانه محسوب می شود و ساکنین آن را بخشی از هویت خود می دانند(احمدی، ۱۳۹۱).

6

ردیف	ابعاد هویت فردی:
۱	آرامش و آسایش درون(حیاط) در مقابل شلوغی و هیاهوی بیرون (شهر)
۲	هویت فردگرایی عرصه های نیمه باز حیاط از طریق چیدمان عناصر نیمه ثابت و لایه های نرم فضا
۳	قابلیت گسست فضایی از طریق ایوان های کم عمق و صفا ها و امکان کاربرد فردی
۴	تشکیل عرصه آرامش، اطمینان و امنیت از طریق کنترل رویت پذیری قلمرو های باز و نیمه باز
۵	امکان شخصی سازی فضا از طریق انجام فعالیت های فردی در بخشی از عرصه حیاط اندرونی توسط زنان
ابعاد هویت جمعی:	
۶	قابلیت پیوستگی فضایی از طریق کاربرد ایوان های عمیق به منظور ترتیب پذیری های دوستانه و خانوادگی
۷	کاهش فاصله کارکردهای فردی با گزینش مبلمان ثابت و نیمه ثابت در عرصه های فضایی حیاط
۸	تاثیرگذاری هویت فرهنگی بر فعالیت های جمعی در عرصه حیاط نظیر مهمانی، مراسم های مذهبی، تهیه غذای نذری و ...
۹	تاثیرپذیری هویت فضایی حیاط از روابط زنان و مردان و شکل گیری قلمرو های مردانه و زنانه یا قلمرو های جمعی مشترک

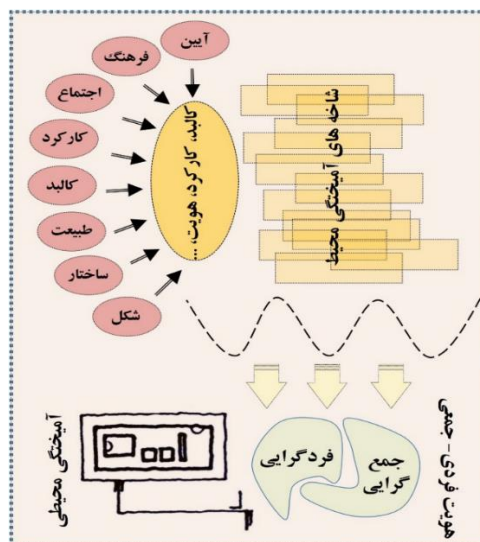
جدول ۱- هویت توام جمع گرا و فرد گرای محیط حیاط(ورمقانی، ۱۴۰۰)

شاخه های آمیختگی در حیات مرکزی

قابلیت محیط حیات وابسته به موجودیت کاربردی و کالبدی فضاهای پیرامون بوده و پاسخگوی نیازهای ساکنان به برقرار کردن ارتباط با یکدیگر در امور زیستی، مناسبات اجتماعی، امور اقتصادی، مذهبی و... بوده است. حیات خانه تاریخی از آمیختگی همزمان فرهنگ، تکنولوژی، جهان بینی و نوع معیشت ساکنان پدید میامد و تعامل کاربران با مجموع شرایط محیطی را بیان می نمود. فضای حیات فقط برای پاسخگویی به فعالیت های سکونت در مقیاس خانواده ساخته نمی شود، بلکه حرمت گذاری بر محیط اجرای مراسم جمعی به مثابه حجابی، مانع ابراز نظرات فردی گشته و به یکسان سازی رفتارها و کردارها می انجامید. به این ترتیب، این آمیختگی در سطح کارکرد های فردی و جمعی نیز بروز می یافت (ورمقانی، ۱۴۰۰).

شاخه های آمیختگی کالبدی در برگرفته تمامی موجودیت های فیزیکی یا کالبدی بناست که قابل اندازه گیری یا اندازه گذاری کلی اند. همچنین شاخه آمیختگی کارکردی در برگرفته مجموعه خواست ها و نیازهایی است که به کاربری به مثابه امری مکانیکی می نگرند. شاخه آمیختگی مفهومی به شناخت مفهوم هایی راه می برد که تعیین کننده هویت اجتماعی فرهنگی بنا به شمار می آید. شاخه آمیختگی محیطی نیز دربر گیرنده تمامی رابطه های دو سویه و پویایی است که میان بنا و محیط بنا بر قرارند یا می توانند برقرار شوند (فلامکی، ۱۳۹۳) (تصویر ۴).

7



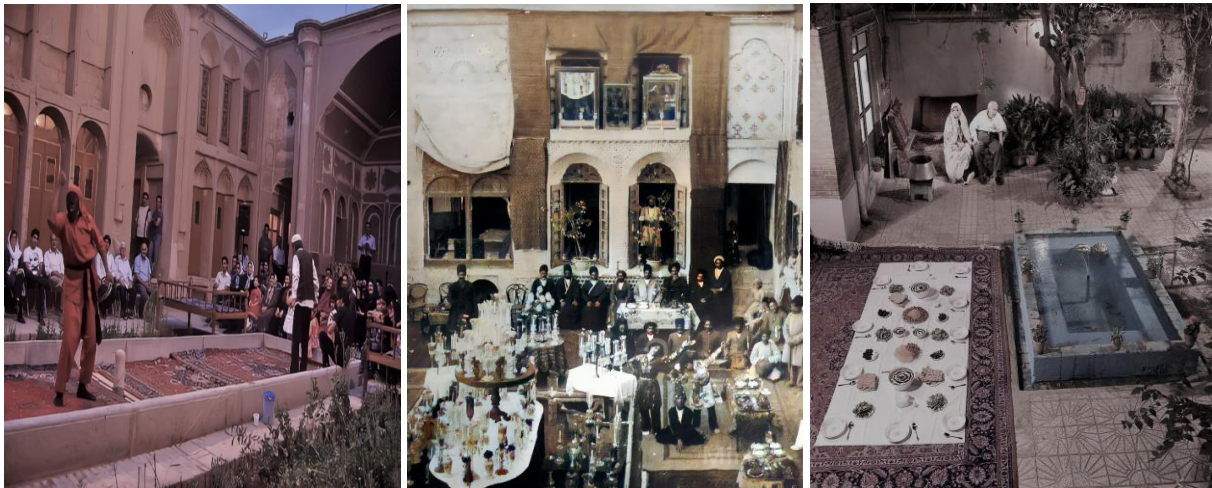
تصویر ۴- اثرگذاری شاخه های آمیختگی بر هویت فردی - جمعی (ورمقانی، ۱۴۰۰)

نقش حیات مرکزی در تبادلات فرهنگی

تأثیرات فرهنگی نیز با تبادلات فرهنگی میان خانوارها شکل میگیرد. چگونگی تبادلات در معماری قدیم با گوناگونی های زیادی همراه بوده که یکی از آنها استفاده از فضای مشترک حیات مرکزی می باشد. علاوه بر ارتباطات روزانه به واسطه این نوع معماری برگزاری مراسمات مختلفی که ریشه در فرهنگ و دین خانوارهای ایرانی دارد به تنگاتنگی این ارتباطات می افزاید. اغلب در این نوع معماری خانوارها در اتاق های کوچکی زندگی میکردند. و فضای مشاعات آن استفاده به مراتب بیشتری داشت. علاوه بر درونگرایی و محرمیتی که این نوع طراحی ایجاد میکرد محلی برای گردهمایی های روزانه و صرف وعده های غذایی بوده. محلی برای کودکان خانوارها، وضو و برگزاری نماز، مراسمات مذهبی، عروسی ها و... همچنین برخی دورگد ها هم با همکاری خانوارها در این میان مراسماتی را ایجاد میکردند به این گونه که بر روی حوض میانی که ارتفاع بلندتری از

کف حیات داشت تخته‌هایی گذاشته و بر روی آن اجراهای مختلف انجام میگشت. همچنین در جشن‌های ازدواج هم روی حوض‌ها را با تخته میبوشانده تا عروس و داماد در جشن‌ها در ارتفاع حضور داشته باشند (تصویر ۵،۶،۷).

اینگونه ارتباطات هر روزه در بلند مدت باعث ایجاد پیوستگی، شباهت در رفتار و نزدیکی فرهنگ میان خانوارهای میگردد.



تصویر ۵،۶،۷- برگزاری مراسمات در حیاط مرکزی

استفاده از حیاط مرکزی در معماری مدرن

محدودیت‌های زمانی منجر به جدایی معماران از معماری سنتی شده است. اینگونه محدودیت‌ها شامل محدودیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌شوند. معماری و هنر همیشه تحت تاثیر قوانین و دستورالعمل‌های شناخته شده و مشخصی قرار داشته‌اند که همواره با فرهنگ، الگوهای رفتاری و ارزشهای اجتماعی مرتبط‌اند. دلیل این امر آن است که سبک‌های معماری هر دوره‌ای نشان‌دهنده‌ی فرهنگ و هنر در آن دوره است (صحرائیان، ۱۳۹۳). حیاط مرکزی با خصوصیات ارزنده خود نه تنها تاثیر مخربی را به محیط تحمیل نمی‌کند بلکه به گونه‌ای شگفت‌انگیز با آن سازگاری دارد. این ساختار خاص ویژگی‌های ارزنده خود را در تک بناها و در پی آن در بافت شهری تسری داده است. با حذف نسجیده‌الگوی غنی حیاط مرکزی، معماری سنتی امتیازات بزرگی را از دست خواهد داد. فقدان این الگوی با ارزش و حذف بی دلیل آن از معماری سنتی معاصر از یک سو و عدم جایگزینی الگوی مناسب برای آن از سوی دیگر، صدمات و ضایعات آشکار و پنهان بی شماری بر پیکره جامعه معماری امروز وارد کرده است (پاشایی، ۱۳۹۵). امروزه میتوان با بررسی ساختار حیاط مرکزی در معماری سنتی و تلفیق آن با معماری مدرن به حفظ فرهنگ و پیوستگی خانواده کمک کرد. هدف پژوهش‌های از این دست، تکرار فرم و اشکال گذشته و تقلید از آنها نیست بلکه استفاده از الگوها و تجارب آنان و ایجاد صور جدید پیرو مفاهیم، مدنظر است (تصویر ۸،۹).



تصویر ۸-۹- استفاده از حیاط مرکزی در معماری مدرن

یافته‌ها

در روند مطالعات پژوهش، خانه گلشن یزد تحلیل و مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. برای تحلیل ساختار فضایی حیاط در خانه‌ها باید روابط درونی و بیرونی عناصر وابسته به حیاط و ارتباط آنها با هم مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. مواردی که با استفاده از روش اسپینتکس و با کمک نرم افزار بررسی می شود عبارت اند از: گراف دید- قوت میدان دید که نتیجه آن گراف دسترسی خواهد بود. (Pinelo and Turner, 2010) تحلیل این موارد به ارتباط عناصر موثر فضا کمک می کند. خانه گلشن یزد متعلق به دوره قاجار است (تصویر ۱۰).

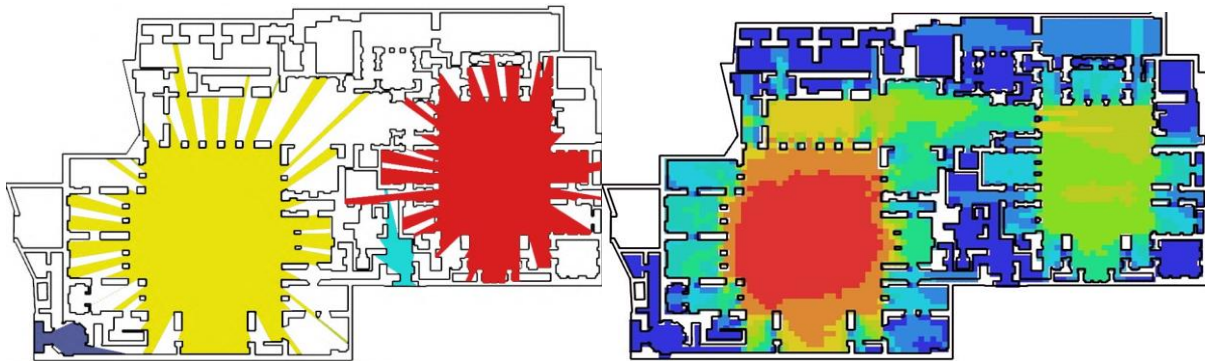
9



تصویر ۱۰- خانه گلشن یزد

گراف دید: محدود دید از آبی (برای دید کم) به سمت رنگ سبز و زرد به قرمز (مکان هایی که بیشتر قابل مشاهده است) اجرا می شود (تصویر ۱۱). در این گراف فضا هایی که دید بیشتری از فضا های مجاور خود دارند با رنگ قرمز نشان داده می شود و فضا ها با دید کم با رنگ آبی مشخص شده است. در این گراف دیده می شود که حیاط مرکزی بیشترین دید را از فضای مجاور خود داد.

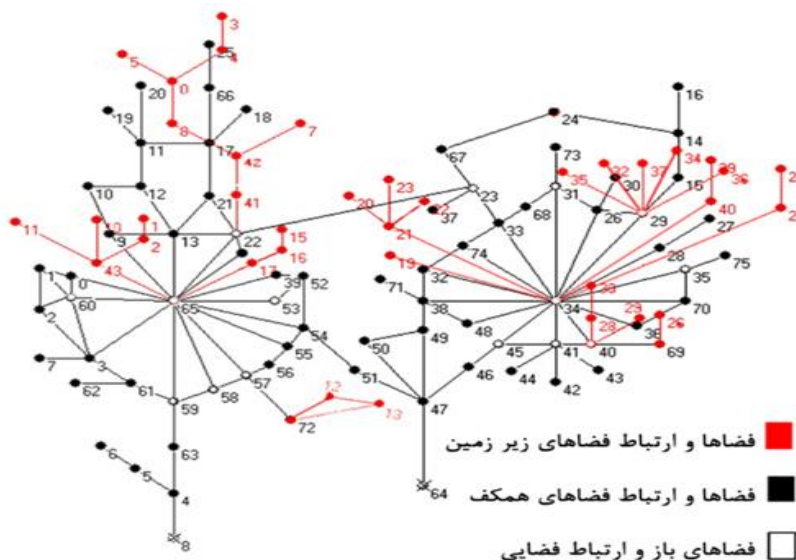
نقطه قوت میدان دید: با استفاده از Depthmap می توانید چند ضلعی را ایجاد کنید که نشان دهنده نقطه قوت میدان دید از یک فضا خاص است (تصویر ۱۲). این ویژگی نشان می دهد که هر فضا به چه فضاهایی دید دارد و دامنه دید چه مقدار است. بنابراین حیاط به تمام فضا های اطراف خود دید دارد، در صورتی که این ویژگی در دیگر فضا ها وجود ندارد (مظاهری و دژادار و موسوی، ۱۳۹۷).



تصویر ۱۲- نقطه قوت میدان دید پلان همکف خانه گلشن یزد (مظاهری و دژادار و موسوی، ۱۳۹۷)

تصویر ۱۱- محدوده دید پلان همکف خانه گلشن یزد (مظاهری و دژادار و موسوی، ۱۳۹۷)

گراف دسترسی: نرم افزار بعد از تحلیل فضاهای موجود در پلان، ارتباط بین فضاها و ساختار فضایی پلان را به صورت نمودار تحلیلی مشخص می کند (تصویر ۱۳).

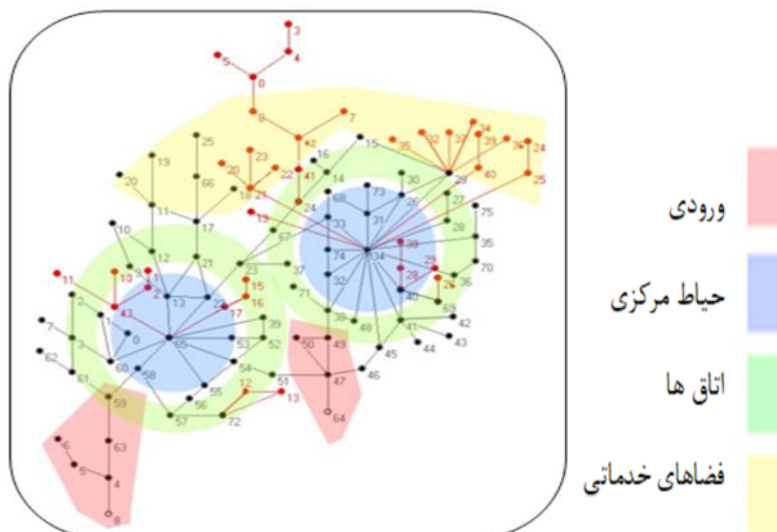


تصویر ۱۳-گراف دسترسی خانه گلشن یزد. (مظاهری و دژادار و موسوی، ۱۳۹۷)

11

تجزیه و تحلیل یافته ها

با توجه به تحلیل های انجام شده به حوزه بندیی از فضا با محوریت حیاط می توان دست یافت (تصویر ۱۴). بنابراین فضا های خانه ها به دور حیاط شامل: ورودی-اتاق ها-فضاهای خدماتی است. حیاط در اکثر خانه های قدیمی در مرکزیت قرار دارد و همانند قلب خانه عمل می کند. همچنین بیشترین دید را از سایر فضا ها دارد. حیاط ها از نظر احساس فضایی همانند یک اتاق سرباز عمل میکند و یکی از ارکان اصلی حیاط مرکزی ایجاد حس امنیت و حریمیت و همچنین ایجاد ارتباط میان ساکنین بنا است (مظاهری و دژادار و موسوی، ۱۳۹۷).



تصویر ۱۴- محدود جانمایی فضا ها در خانه گلشن یزد. (مظاهری و دژادار و موسوی، ۱۳۹۷)

بحث و نتیجه گیری

معماری ایرانی از دیرباز سبکی قابل احترام و شناخته شده ای در سطح جهانی بوده زیرا در آن به جزئیات و روابط انسان ها در فضا های مختلف توجه فراوانی می شد. گستره این توجهات موارد زیادی را شامل می شود، از تاثیرات طراحی در روحیه، توجه به فرهنگ، توجه به پیوستگی و ارتباطات میان خانواده ها و... گرفته تا تاثیرات اقلیم و کاربرد فضا ها. از جمله مواردی که معماران گذشته را به اهداف مورد نظرشان نزدیک می کرد میتوان به طراحی حیاط مرکزی، گودال باغچه، ایوان و... اشاره کرد. یکی از مهم ترین موارد وجود حیاط مرکزی در خانه های ایرانی بوده که در این مقاله به تاثیرات فرهنگی آن پرداخته شده، این تاثیرات هم به شکل روزمره و هم در درازمدت برفرنگ و پیوستگی خانواده ها تاثیراتی را ایجاد می کرد. از جمله این تاثیرات می توان به تاثیرات فردی و جمعی حیاط مرکزی اشاره کرد (جدول ۱).

امروزه با حذف و عدم جایگزینی الگوی مناسب برای حیاط مرکزی صدمات و ضایعات آشکار و پنهان بی شماری بر پیکره جامعه معماری وارد شده است، اما هنوز میتوان با بررسی ساختار حیاط مرکزی در معماری سنتی و تلفیق آن با معماری مدرن و استفاده از مصالح جدید به حفظ فرهنگ و پیوستگی خانواده کمک کرد.

منابع

- احمدی، فرهاد. (۱۳۸۲). حیاط مرکزی در معماری ایران. فصلنامه صفا
- اردلان، نادر و بختیار، لاله. (۱۳۸۰). حس وحدت. نشر خاک
- احمدی، زهرا. (۱۳۹۱). بازخوانی نقش گمشده حیاط مرکزی در دستیابی به معماری پایدار. نشریه شهر و معماری بومی شماره ۲
- پیرنیا، محمد. (۱۳۸۶). سبک شناسی معماری ایران. سروش دانش
- پوردیهمی، محمد. (۱۳۸۲). فضای باز در مجموعه های مسکونی. فصلنامه صفا
- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۷۵). هویت و این همانی با فضا. فصلنامه صفا
- پاشایی، ناصر. (۱۳۹۵). تاثیر حیاط مرکزی معماری سنتی ایران در معماری مدرن. دومین کنفرانس سالانه پژوهشهای معماری، شهرسازی و مدیریت شهری
- حائری، محمدرضا. (۱۳۸۸). نقش فضا در معماری ایرانی. دفتر پژوهشهای فرهنگی
- حائری، محمدرضا. (۱۳۹۳). روش شناخت چند دانشی معماری خانه های تاریخی ایران. نامه معماری و شهرسازی
- دانشپور، سیدعبدالهادی. (۱۳۷۲). بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری. پایان نامه دکترای شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
- زکی زاده، فرزانه و فرحناز. (۱۳۹۴). نقش حیاط مرکزی بر خانه های ایرانی. همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران
- سمرقندی، ابوطاهر. (۱۳۴۳). سمریه. انتشارات فرهنگ ایران زمین
- سیفیان و محمودی. (۱۳۸۶). محرمیت در معماری سنتی ایران. نشریه هویت شهر
- صحراپیان، علیرضا و جهانفر، سارا و ترکمان، احمد. (۱۳۹۳). استفاده از حیاط مرکزی معماری سنتی در معماری مدرن. کنفرانس بین المللی نیارش شهر پایا
- فلاحت، محمدمصدق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن. نشریه هنرهای زیبا
- فلامکی، محمد منصور. (۱۳۹۳). ریشه و گرایش های نظریه معماری. نشر فضا
- فریادی، شهرزاد. (۱۳۸۳). پیشنهاد اصول و قواعد طراحی شهری پایدار شهر های ایران در فرایند جهانی شدن با تاکید بر نیاز های زیستی. مجله محیط شناسی

- مظاهری، مجتبی و دژادار، امید و موسوی، سیدجلیل. (۱۳۹۷). تحلیل نقش حیاط در ساختار فضایی خانه های ایرانی با بهره‌گیری از روش نحوه فضا space syntax. هویت شهر
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۱). نحوه فضای معماری. فصلنامه صفا
- ورمقانی، حسنا. (۱۴۰۰). پژوهشی در خوانش شاخه های آمیختگی در فضای فرد-جمعی حیاط خانه سنتی. دوفصلنامه فضای زیست
- Pinelo, J., and Turner, A. (2010). Introduction to UCL Depthmap